ییام رحمان حسین زاده به: کارگران ذوب مس

فکری کمونیسم کارگری در دفاع

از ممنوعیت حجاب و نمادهای

مذهبی در مدارس و محیطهای

کار و آموزش و پرورش، تلاش

پیگیرانه و فعالی را شروع کرده

است. حزب کمونیست کارگری با

هرگونه حمایت دولتی در کشورهای

مختلف از اسلام و جریانات اسلامی

و هر نوع مشروعیت دادن و

قانونیت بخشیدن به سنن و

تحميلات اسلامي، نظير حجاب

اسلامی، آموزش و پرورش اسلامی،

سوبسید به مساجد و دستجات

اسلامی بشدت مبارزه میکند. دوره

کنونی فضای مبارزه با مظاهر

مذهبی، دخالت در مصافها، جدلها

و مباحث ایندوره پیرامون ممنوعیت

حجاب و مظاهر مذهبی بخشی

از پروژه حزب در این رابطه است.

در اروپا، یکی از رویدادهای یکی

دو ماهه گذشته که نظر همگان و

بویژه دو جبهه و قطب سیاسی در

جامعه را رو در رو قرار داد،

مساله ممنوعیت روسری در مدارس

و مردم خاتون آباد و شهر بابک کرمان



اساس سوسياليسم انسان است. سوسياليسم جنبش بازگرداندن اختيار به انسان است.

منصور حكمت

## ایسی

iraj\_farzad@yahoo.com سردبیر: ایرج فرزاد

فاكس: 00448701687574 تلفن: ۴۶۷۳۹۵۵۰۸۵۰

چهارشنبه ها منتشر میشود

## راديو انترناسيونال

٤ متر-٧٤٩٠ كيلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

### به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com رادیو انترناسیونال روی اینترنت: www.radio-international.org

مدير راديو انترناسيونال: سياوش دانشور

# صدایی دیگر!

پیرامون ممنوعیت حجاب در مدارس و محیطهای آموزش و پرورش



نسان نودینیان

مبارزه عليه مظاهر مذهبي، فضای سیاسی جامعه در اروپا را فرا گرفته است. مظاهر مذهبی باید از مدارس و محیطهای آموزش و پرورش جارو شوند. مذهب و اسلام سیاسی باید در منگنه فشار و انزوا توسط جامعه آزادیخواه و سکولار، قرار گیرد. کودکان باید از قید و بند مذهب در محیط آموزش و پرورش، رها شوند. این وظایف اکنون در صدر فعالیتهای عملی، و سیاسی کمونیسم کارگری، قرار دارد. حزب کمونیست کارگری حزبی سکولار و مدرن و سوسیالیست و ضد اسلام سیاسی است. حزب کمونیست کارگری به صرف اپوزیسیون و ضدامپریالیست ظاهر شدن اسلام سیاسی سرسوزنی از ارتجاعی نامیدن و ضدانسانی خواندن این جنبش كثيف كوتاه نيامده است. جامعه ایران مذهبی نیست، اما دولت مذهبي جمهوري اسلامي مذهب



محمد آسنگران

رژیم اسلامی ایران با نیروهای گارد ویژه و هلیکوپتر و انواع دارودسته نظامی به مردم شهر بابک و مجتمع ذوب فلز در

خاتون آباد استان كرمان حمله کرده است. تعداد زیادی از کارگران و مردم در این حمله وحشیانه کشته و زخمی شده اند. ابعاد جنایت چنان وحشتناک است که مسئولین رژیم را به تکاپو انداخته است که مسئولیت این جنایت را به نیروی نامعلومی منتسب كنند. اما مردم جانيان و مسئولين اين قتل عام وحشيانه را به نام و اسم و رسم می شناسند. آنها تک تک سران رژیم جنایت اسلامی اند. مردم شهر بابک در اعتراض به این جنایت اعتصاب عمومی کرده

صفحه ۳

تاكتيكهاي مبارزاتي مردم ایران از خرداد ۷۶ تا تحصن نمایندگان مجلس

کشتار کارگران و مردم

شهر بابک در استان کرمان

بايد با عكس العمل

وسيع روبرو شود

عبدالله کهنه پوشی صفحه ۲

عبدالله مهتدی و جلسات معارفه فدراليسم قومي

ايرج فرزاد صفحه ٣

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سر گذاشته اند. لازم به گفتن است

این رد صلاحیتها هم برای دوم

خردادیها نباید زیاد جای نگرانی

باشد زیرا هنوز جناح دیگر بکلی

از آنها دست نکشیده و هنوز

بخشی از کارا ئیشان را برای نظام

به رسمیت می شناسد، آنهم ببازی

گرفتن وحفظ بخشهائی از اپوزیسیون

ملی مذهبی است و بهانه ای هم

در مقابل دولتهای غربی و به بازی

گرفتن بیشتر آنها است. مردم به

کل این بازی ها واقفند و به ریش

بازیگرانش با خونسردی تمام

### ییام رحمان حسین زاده

#### به کارگران و مردم آزادیخواه **گردستان!**

رژیم جنایتکار اسلامی تحصن و اعتراض برحق كارگران ذوب مس خاتون آباد و مردم شهر بابک کرمان را به خون کشید. در این واقعه چهار تن به نامهای مومنی، مهدوی، جاویدی، و ریاحی جان باختند و دهها نفر دیگر زخمی شدند. همینجا به کارگران ذوب مس کرمان و خانواده و بستگان عزیزان جانباخته همدردی خود را اعلام كرده و تسليت ميگويم. تعرض نظامى مزدوران جمهورى اسلامی در این ابعاد و کشته و زخمی کردن تعداد زیادی از انسانهای شریف و زحمتکش این جامعه تنها به جرم حقطلبی و اعتراض به فقر و نداری، نشانه قدرت رژیم جانی اسلامی نیست، بلکه عجز و نگرانی جانیان اسلامی را از گسترش اعتراض كارگران و مردم حق طلب ايران میرساند. قلدری نظامی و ارعاب نمیتواند سد کننده تحرک اعتراضاتی باشد که میرود سراسر ایران را در نوردد.

### کارگران و مردم آزادیخواه **كردستان!**

از تحصن و اعتراض کارگران ذوب مس در استان کرمان باید حمایت کرد. یاد جانباختگان این

تاكتيكهاي مبارزاتي مردم

ایران از دوم خرداد ۷۶ تا

تحصن نمايندگان مجلس

عبدالله كهنه پوشي

از رای ندادن قاطع مردم به ناطق

نوری، کاندید خامنه ای، در دوم

خرداد ۷٦ تا به تمسخر گرفتن

متحصنین نمایندگان مجلس و بی

اعتنائی مطلق به انتخابات دوره

هفتم مجلس اسلامی، همه

نشاندهنده تاکتیکهای مبارزاتی و

روانشناسی جامعه و بلوغ سیاسی

مردم ایران است. پیدایش و ظهور

جنبش دوم خرداد با هدف سویاپ

اطمینان در مقابل تعرض مبارزاتی

مردم و حفظ نظام و كند كردن لبه

تیز مبارزه و اعتراض مردم خشمگین

علیه رژیم اسلامی بوده است.

هرجریانی در جهت منافع خود این

مبارزه حقطلبانه را باید گرامی داشت. اكنون دوره اعلام همبستگی و همگامی و حمایت بخشهای مختلف کارگران و مردم معترض از همدیگر است. جا دارد هر اعتراض و مبارزهحق طلبانه با بیشترین حمایتها و همگامیها در سراسر ایران روبرو شود. از کارگران، زنان، دانشجویان، جوانان، معلمان، و از تشکلها و نهادهای رادیکال و مردمی موجود در شهرهای كردستان ميخواهم با صدور پيام همبستگی، بابرگزاری اجتماعاتی در گرامیداشت عزیزان جانباخته، با انتشار تراکت و اعلامیه و هر ابتکار و شیوه و تجربهای که هست، یاد این عزیزان را گرامی بدارید، و حمایت خود را از مبارزه و مطالبات کارگران مس استان کرمان و شهر بابک اعلام کرده و جمهوری اسلامی را محکوم کنید و خواستار معرفی و محاکمه دستور دهندگان و عاملین این جنایت شوید. دور نیست آن روزی که سران و همه جنایتکاران ریز و درشت جمهوری اسلامی محاکمه و جوابگوی اعمال جنایتکارانهشان در بارگاه مردم شوند.

#### رحمان حسين زاده

دبير كميته كردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۷ بهمن ۱۳۸۲ ۲۷ ژانویه ۲۰۰۴

موضوع را توضیح میداد، اما هدف مردم در راستای تلاش و مبارزه خود آنها علیه رژیم بود. مروری کوتاه به فلسفه پدیده دوم خرداد و شرایط و اوضاع و احوال سیاسی ایران دلیل انتخاب تاکتیکهای مردم را توضیح میدهد. بعداز جنگ ایران و عراق و کشتار و قتل و عام زندانیان سیاسی در شهریور ۹۷ و پس از مرگ خمینی، تعرض ومبارزات مردم خشمگين عليه ماشين كشتار وجنايت رژيم هار و وحشی اسلامی آغاز و هر روز در گوشه ای در محیطهای کار و در شورشها و عصیانهای شهری خودرا نشان میداد. در دوران ریاست جمهوری رفسنجانی این مبارزات هر بار وسیع تر وخشمگینانه تر از قبل اتفاق می افتاد و خطری جدی رژیم را تهدید می کرد. در نتیجه شدت و وسعت گرفتن این مبارزات

و فشار آن از یک سو و شکل و

جناح فريب وحيله و لبخند به لب بود. ناگهان تمام معماران کشتارها و نسل کشیهای دوره های پیشین، سازماندهندگان وزارت اطلاعات و بازجویان و شکنجه گران زندانهای مخفی و علنی و حکام شرع دادگاههای صحرائی و مسئولین انقلاب فرهنگی وکشتار و قتل عام دانشگاهها، یک شبه مدافع مردم سالاری اسلامی" و دگراندیش از آب درآمدند و سر از پروژه اصلاحات در آوردند و پشت سر شاگرد و دست پرورده امام و مسئول ستاد تبلیغات جنگی در دوران جنگ هشت ساله صف بستند. مردم هم می دانستند که هنوز ماشین سرکوب قدرتمند است و به آن تناسب قوا نرسیده اند که کل رژیم را هدف تعرض خود قرار دهند در نتیجه اکثریت آنها آگاهانه و با انتخاب این تاکتیک که آتش جنگ و اختلافات بین دشمنان خود را شعله ورتر كنند تا در لابلای این شکاف و اختلافات بتوانند امر مبارزاتی خودرا پیش ببرند، دست رد به سینه ناطق نوری کاندیدای جناح وابسته به "رهبر" زدند. از آن پس مردم مبارزات خودرا در پوششها و تحت حفاظهای دیگری گسترش دادند، روزی توقیف روزنامه سلام و روزی بازداشت روزنامه نگاران دوخردادی و روزی دیگر حکم اعدام آغاجری.

شیوه برخورد و مقابله با آن از

سوی دیگر در میان بنیان گزاران

جمهوری اسلامی و سازمان دهندگان

سیاه پاسداران و اطلاعات و دستگاه

سرکوب، شکنجه و جنایت اختلاف

افتاد. جناحی فکر میکردند که

جمهوری اسلامی را میبایست با

روشهای دوران عروج رژیم اسلامی

حفظ کنند، یعنی با ادامه کشتار

و سركوب آشكار و بستن شمشيرها

از رو در مقابل مردم ظاهر شوند،

اما بنظر عده ای دیگر بهانه جنگ

و "خطر تهاجم اجنبی" تمام شده

بود و آن شیوه های گذشته نه تنها

نمی توانست کار ساز باشد بلکه

حتى ميتوانست براى رژيم بمراتب

خطرناک باشد و رژیم را لخت و

عریان و بدون حفاظ در مقابل

مردم بجان آمده بشدت ضربه يذيرتر

مى ساخت. اين اختلافات تا

انتخابات خرداد ۷٦ ادامه پیدا

کرد و هر چه مبارزات مردم اوج

مى گرفت اختلاف بين جناحها

شدت بیشتری می یافت. از قول

بازرگان نقل کردند که گاری وقتی

به سربالائی می رسد اسبها همدیگر

را گاز می گیرند. اما فشار مبارزات

مردم کار از گاز گرفتن اسبها را

به جاهای باریکتری میکشاند. این

دو شیوه تقابل با مردم، کاندیداهای

خودرا معرفی نمودند ناطق نوری

کاندید جناح طرفدار کشتار و

سركوب عريان و خاتمى كانديد

ببازی گرفتن دوم خردادیها و این داستان دربین مردم و رژیم تا ۱۸ تیر ادامه یافت. وقتی مردم در ۱۸ تیر تشخیص دادند که به آن تناسب قوا رسیده اند که راسا و مستقیما کل رژیم را مورد تعرض قرار دهند، آن وقت با شعار های مستقل خود از قبیل مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی، آزادی اندیشه با ریش و پشم نمی شه، آزادی کلیه زندانیان سیاسی و زنده باد آزادی و برابری بمیدان آمدند. جناح دوم خرداد با شيوه حيله گرآنه وٰ آخوندیشان در کنار بکارگیری حربه زندان و اعدام و شكنجه و ارعاب تا توانستند خیرشان را به رژیم رساندند، و روشنفکران وابسته به گرایش ملی مذهبی را چه در داخل و چه در خارج دوائر حکومتی ببازی گرفته و پشت سر خود آوردند، و همزمان برای دولتهای غربی که در واقع دوست نداشتند به رژیم اسلامي فشار حقوق بشرى وغيره بیاورند توانسته بودند با یز دیالوگ تمدنها مانع فشار آنها و سازمانهای

طرفدار حقوق بشر در سطح بین

المللي عليه رژيم شوند. در ادامه

این وضعیت جناح محافظه کار با

دیدن نتایج انتخابات شوراهای

اسلامی، که بایکوت شدید مردم

آنان را از کارائی دوخردادیها مایوس

کرده بود، و اتفاقات و تحولات

شگرفی که با تظاهراتهای ۲۰ خرداد

تا ۱۸ تیر امسال و شدت گرفتن

مبارزات کارگری و تظاهرات

دانشجویان در ۱۶ آذر و نمایش

شجاعانه و قدرتمند پلاكاردهاي

قرمز رنگ مزین به شعار آزادی و

برابری و حمایت از اعتصاب کارگران

پترو شیمی روی دادند، مسجل شد

که دوم خرداد دیگر دورانش بسر

آمده است، زیرا مردم از آنها

عبور کرده وآن مرحله را پشت سر

نهاده بودند، در نتیجه رژیم باید

قدرت را یکسره می کرد تا در

مقابل تعرض مردم يكيارچه عمل

کنند و جناح دوم خرداد باید در

دولت و مجلس به یک اقلیت

توسری خورتر از قبل کاهش می

یافت. رد صلاحیتها را باید در این

شرایط سیاسی و اوضاع و احوال

کنونی ایران بررسی نمود. از طرف

دیگر با توجه به اینکه برای هر دو

جناح رژیم آشکار بود که مردم

برای نمایش و مضحکه انتخاباتشان

تره هم خرد نمی کنند فکر کرده

اند شأید این شگرد بتوانند عده

ای را به پای صندوقهای رای بیاورد،

هم رد صلاحیت شدن ها و هم

تحصن اخیر در "خانه ملت" نمایشی

بود در این توهم پوچ که گویا اگر

مردم از آنها حمایت کنند و به

آنها رای بدهند این بار قاطع تر از

گذشته در مقابل جناح راست خواهند

ایستاد. اما دیگر کار از کار گذشته

است و مردم آن مرحله را پشت

قطعا رژيم اسلامي تلاش خواهد کرد در شرایط بن بست بازی جناحها و کشمکش آنها برای جستجوی راه بقا، به نقطه تعادلهای جدید و حتی تجدید آرایش دیگری روی آورد. در این میان آنچه که مهم است این است که با تنگ شدن میدان مانور جدال جناحهای رژیم، مردم از شكاف عميق شده خود و کل رُژیم بهره گیرند و با به میدان آوردن صفوف عظیم خود رژیم اسلامی، این غده چرکین بر پیکر جامعه ایران، را کنار زنند و به سقوط بکشانند. جلوه های مبارزات کارگران که گوشه ای از آنرا در اعتراض بخون كشيده كارگران معدن مس خاتون آباد و مردم شهر بابک کرمان شاهد بودیم، اعتراض به فقر و فلاکت و حکومت مشتی انگل و مفت خور اسلامی، تدارک مبارزات وسیعتر معلمان و دانش آموزان و دانشجویان و مبارزه برابری طلبانه زنان برای گسستن زنجیر اختناق آپارتاید جنسی، طلیعه بزیر کشیدن رژیم اسلامی و پایان کابوس حكومت خونين و جنايتكارانه اسلام سیاسی را نوید میدهد. پرچم آزادی، برابری و غلیان مبارزه برای برپائی جامعه ای شاد ، برابر ، آزاد و مرفه و خوشبخت، امید بنای جامعه نوینی را بر ویرانه های جمهوری اسلامی در قلب میلیونها مردم ایران زنده کرده است. □

### كمك مالي به كميته كردستان

کمکهای جمعآوری شده توسط رحمان حسین زاده

١- آوات سعيد و دکترکامران

٣- آسو كمال ۵۲ پوند

٢- رئوف امين ۱۵۰ دلار استرالیا

باتکا منبعی که از چنین

موجوداتی تشکیل شده است،

### گزمه های ناموس مردسالار کردی

عبدالله مهتدى و جلسات معارفه فدراليسم قومى ايرج فرزاد

> در مصاحبه ای که اخیرا تلویزیزن "لحظه" با عبدالله مهتدي، دبيركل ويرچوال سازمان زحمتكشان، داشت، کسی به نام "نسرین" از یک جای نامعلوم سوالی را برای عبدالله مهتدى "فاكس" كرده بود. سوال این بود:

> من زنی هستم که در جریان انشعاب سال ۱۹۹۹ به دنبال فریبکاریهای منصور حکمت به طی این مدت آنها مرا از هرگونه شخصیت و انسانیت خالی کردند و تا توانستند از من استفاده كردند. تحت عنوان عشق آزاد باعث جدائی و از هم پاشاندن خانواده ام شدند. من الأن از اين جماعت متنفرهستم. آیا راه بازگشت من به كومه له وجود دارد یا خیر؟ من چندین خانواده را میشناسم که اینها همین بلا را به سرشان آورده اند"

> پاسخ جناب مهتدی: من ایشان را نمیشناسم که از نزدیک پاسخ خیلی مشخص به ایشون بدهم، ولی متاسفم از سرنوشتی که ایشون دجارش شدند. ولى متاسفانه امثال ايشون زياده و ایشون تنها نیستند، در هر

صورت همه این افراد از نظر من کاملا میتوانند برگردند به صفوف كومه له و در آنجا با كمال احترام بهشون برخورد میشود" اینکه عبدالله مهتدی (امین صادقی) به امثال مهین صادقی ماموریت دوباره داده باشد که مصاحبه دیگر و پرده دیگری از "افشاگری" در مورد حزب کمونیست کارگری را نمایش دهند، منتفی نيست. سال ۱۹۹۹ سال هيچ انشعابی نیست. اینکه مهین صادقی خود را به "سادگی" و "بی سوادی" میزند، بخشی از شگرد است. میخواهند مردم بخاطر این همه "صداقت" در بی اطلاعی و ساده لوحی موژیکی، گوششان را برای درددلهای یک زن هموطن پاک و بی آلایش کرد( که باز در اوج صداقت و عفت، نفرت حاصل از لکه دار شدن پاکدامنی اصیل کردی اش منحصرا متوجه كمونيسم كارگرى است) باز نگاه دارند. اما جالب این است که در اینجا

جناب مهتدی با سناریو نویسی سوال و جواب ظاهرا تصادفی و سفارش فاكس "لايف" به مظلوم معصوم، وارد جوانب اختلاف

در بحرانی ترین دوران حیات خود

بسر میبرد. جدال جناحهای رژیم

با همدیگر به نقطه ای رسیده

است که هر آن امکان این میرود

که کنترل جامعه از دستشان خارج

شود و مردم تكليف همه آنها را

یکسره کنند. کشتار مردم شهر

بابک کرمان در متن این استیصال

حاكمان اتفاق افتاده است.

میخواهند به جامعه نشان دهند

که هنوز قدرت مقابله با مردم را

دارند. این یک میدان آزمایش

است اگر تعرض اوباشان اسلامی

جواب در خور را بگیرد در

اعتراضات بعدى آنها جرات

نخواهند کرد چنین بی محابا

مردم را به گلوله ببندند. این

تعرض بیشرمانه را نباید بی یاسخ

گذاشت. همینجا لازم است از

جمعی از کارگران آیران خودرو

قدردانی کنیم که فوراً با صدور

و "افشاگری سیاسی" نشده اند. بحث را به جوانب "فساد" اخلاقى و لكه دار كردن "عفت عمومي" کشانده اند که عرصه و حربه آشنائی در کمیینهای ضدکمونیستی است. اسامی تیرباران شدگان در جمهوری اسلامی و اتهامات آنها را در دادگاههای شرع لیست کنید تا فلسفه این سوال و جواب و علت کناره گیری و نفرت پراکنی چهره سوم مهین صادقی از حزب کمونیست کارگری و تقاضای پیوستن به سازمان ایضا چهره چندمی امین صادقی را متوجه شوید. این ادامه کمپین دوران عروج اینها و پر کردن صفحات باقیمانده اوراق هویتی سازمان زحمتکشان و همزمان سیمای فدرالیسم قومی آنهاست. و تمام داستان، فعلا و تا بازشناسی این یدیده شیرین با این هویت و ثبت آن در دوائر اصلی تر ضدكمونيست، همين است. فلسفه اینکه هنوز که هنوز است در دوران "بازسازی" میخکوب شده اند، قدرت و نفوذ مطرح بودن هویت انسانی در جامعه و تاثیر و حرکت جریان کمونیسم کارگری در همه عرصه های زندگی مردم است. اینها در همین حاشیه و تا یایان عمر مفید مجرای اصلی تولیدشان یعنی جریان وابسته به جلال طالبانی، پنهانی، با روی گرفته و چادر و حگال لای دندان،

سیاسی با حزب کمونیست کارگری

نفس میکشند. اما آینده ای ندارند، چون منشا و منبع قدرت آنها میراست و فرو میپاشد. اما با اینحال، واقعا جالب است که کسی مثل عبدالله مهتدی، که تازه وقتی این سوی پرچین بود و هنوز داشت خواص نردبان کمونیسم را برای عروج به منصب یک ناسیونالیست مزمزه میکرد، و با آن سابقه مراسم فئودالى اشرافى عقد و نکاح و ازدواج و دهل و زرنا، بیاید از مظهر حفظ عفت کردی و نجات از "تهاجم فرهنگی" عشق آزاد دفاع کند. آن سابقه درخشان و گفته امروز دو روی یک سکهاند و به هم چفت میشوند و ورژن انصاراللهی و ثاراللهی قوم پرستی سازمان زحمتكشان در عرصه "فرهنگ" و ازدواج و جدائی و عشق و نفرت به تدریج در ادبیاتشان نسج میگیرد و جا باز میکند. جناب مهتدی به دنبال جلب نظر برای سازمان زحمتکشان است، یاسخ او به فاکس ارسالی مشخص . کرده است که نقطه اتکا و منبع تغذیه سازمان ایشان، فرهنگ یدر سالاری و فرهنگ قاتلین امثال فادیمه و یلا و هیشو است. آن موجودات هم برای حفظ عفت و پاکدامنی "زن کرد" و حفظ اصالت خون کردی و مرز بندی خونین با "عشق آزاد"، فرهنگ عهد عتیق

و روسای ایل و عشایر را بعنوان

اصالت فرهنگی "خلق کرد" مبناً

گرفتند و آدم کشتند. عبدالله

مهتدی بی پرده و صریح و وقیح

انداختن رژیم اسلامی نوید دهنده

دنیایی برابر، انسانی و مرفه باشند.

امروز و بلافاصله باید باتمام

توان به یاری مردم شهر بابک و

كارگران ذوب مس بشتابيم. صف

ما محرومان یک صف وسیع و

میلیونی است باید جامعه در

همه ابعادش این صف انسانهای

فراخوان پیوستن آنان را میدهد و با بسيج جنايتكاران قتلهاى ناموسى و نگهبانان فرهنگ ایل و عشایر، کمپین ضد کمونیستی را ادامه میدهد و آغوش سازمان نازنین اش را "با کمال احترام" به روی متعصبين مكتبى خلوص کردایسی باز و گشاده نگاه میدارد. آقای مهتدی به اتکا این فرهنگ ناموس پرست و با هدف بسیج و سازماندهی گزمه های فرهنگ عشایری پدرسالارانه "کردی" مدام در تلاش تکرار پرده های مراسم "بازسازی" سازمان زحمتکشان است. شالوده این سازمان با اعلام نفرت از کمونیسم کارگری بنیانگذاری شد و مصالح و ماتریال فرهنگ و سیاست جنائی عشایری و يدرسالاري جنون آميز، روياي ارتجاعی قوم سازی های یوگوسلاوی سابق و برپائی "سازمانهای دمکراتیک خلقها"، جریانات مزدور و ضدکمونیست و دست سازی چون ارتش آزادیبخش مقدونیه و ارتش آزادیبخش کوسوو را در دستور كار سازمان دست ساز جلال طالبانی قرار داده است.

بيرون ريختن جوهر نفرت پراكني سازمان زحمتكشان بعنوان نيروى فالانثر و آماده اجرای سناریوهای پاکسازیهای قومی و ملی، با الهام از فرهنگ و میراث

### کشتار کارگران و مردم۰۰۰ (ادامه از صفحه ۱)

و كل شهر به حالت تعطيل در آمده است. جنگ و گریز خیابانی هنوز در جریان است و مرتب مردم معترض بازداشت میشوند، به شکنجه گاهها برده میشوند، و مورد تهدید و اذیت و ازار قرار میگیرند.

رژیم اسلامی یک جنگ تمام عیار را به مردم این شهر تحمیل كرده است. اين توحش اسلامي نباید بی پاسخ بماند.

كارگران مجتمع ذوب مس خاتون آباد و مردم شهر بابک در دفاع از حق زندگی و علیه فقر و بیکاری، علیه تعرض نیروهای جنايتكار رژيم اسلامى مقاومت و تعرض متقابل را سازمان دادند. اين مردم شايسته وسيعترين حمايت و پشتیبانی هستند.

کارگران، جوانان، مردم آزاديخواه ايران!

رژیم اسلامی سرمایه داران ایران

بابک و کارگران خاتون آباد، جنایت رژیم اسلامی را در این شهر محكوم كرده اند. و از مطالبات کارگران حمایت خود را اعلام

با لجن ارتجاع و نفرت قومي

لازم است مردم و همه مجامع کارگری و تشکلهای مترقی به انحا مختلف كشتار مردم شهر بابک را محکوم کنند و خواهان محاكمه عاملين و آمرين اين جنایت بشوند. این بار باید مردم ایران همانند همیاری و اعلام همبستگی با مردم بم، در ابعاد ا وسیع به یاری مردم شهر بابک و کارگران مجتمع ذوب مس در خاتون آباد بشتابند. باید کاری کرد که همبستگی و اتحاد کارگران و مردم را یک بار دیگر به نمایش گذاشت. تنها سلاح و قدرت مردم قدرت اتحاد و همبستگی شان است. اینبار باید رژیم اسلامی اوباشان را چندین قدم به عقب نشینی وادار کرد. این امکان هست. رژیم در ضعیف

ترین دوران خود بسر میبرد یک آزادیخوه و حق طلب را ببیند. جنايتكاران و حاكمان اسلامي تعرض همه جانبه را باید سازمان حامیان و دلسوزان خودشان را داد. حزب کمونیست کارگری در دارند. از سیاه پاسداران و ارتش ييشاييش اين اعتراضات تلاش و حزب الله، و بسيجى تا میکند در ابعاد جهانی نیز حمایت رفسنجانی و خاتمی و خامنه ای گسترده کارگران و مردم مترقی و همه سران ریز و درشت این را به دفاع از مردم شهر بابک و حکومت همراه و حامی یکدیگر کارگران ذوب مس جلب کند. هستند. صف کارگران و مردم نباید اجازه بدهیم که اوباشان ایران در مقابل این جنایتکاران اسلامی یک بار دیگر امکان لازم است و باید خود را سازمان تعرض به مردم را بیابند. اینها دهد. حزب کمونیست کارگری باید را باید به عقب راند. اینها را پرچم این صف و ابزار اتحاد و باید از قدرت ساقط کرد. مردم چسب درونی این صف باشد. ایران و قبل از همه کارگران ایران امروز این وظیفه تاریخی بر دوششان قرار گرفته است که با

زنده باد همبستگی و اتحاد کارگران و مردم ایران با **کارگران و مردم شهر بابک و** خاتون آباد کرمان ۲۷ ژانویه ۲۰۰۴

\*\*\*

اطلاعیه پشتیبانی از مردم شهر زنده باد جمهوری سوسیالیستی! مرک بر جمهوری اسلامی! جامعه كردستان لايروبي خواهند

شد. در اولین روزهای پیروزی

مردم و به اهتزاز درآمدن پرچم

آزادی و برابری، امثال جلال

طالبانی بخاطر همدستی با ارتجاع

اسلامی و راه اندازی و سرهم

بندی یک جریان ضدکمونیست وٰ

فالانژ نفرت پراکنی قومی، با

قرار تعقیب قانونی و اعلام جرم

مردم پيروز روبرو خواهند شد.

اجازه تکرار سناریو یکه تازی

احزاب وجریاناتقومی عشیره ای

کردستان عراق را در ایران نخواهیم

داد. متعصبین فرهنگ قتلهای

ناموسی و جنایتکاران خنجر و

قمه بدست حامی آداب و رسوم

مردسالاری قومی عشایری کردی

را در میان مردم متمدن و پیشرو

و جامعه شهری کردستان جائی

نیست. مکانیسم جامعه مدرن و

امروزین، سازمان زحمتکشان را

در کنار غارها و اشکوتها و

بقایای مقبره شیوخ و روسای

\* \* \*

### **١٠٠٠ گزمه های٠٠٠٠**

جنایتکاران قتلهای ناموسی و ثبت نام بعنوان جرياني متعصب خالص ای کردن کمونیستهاست. و این لقمه بزرگی است که از گلوی لک لکهای نشسته بر بام "مام"

"كردى" و البته ضدكمونيست، از اهداف دیالوگها و مصاحبه ها و تورها با این "هموطن کرد" است. جناب مهتدی عامدانه اصرار دارد که بگوید راه اتحاد عمل با هر نیروئی، اسلامی و راست و سلطنت طلب، حزب دمكرات و اكثريت و یا هر سازمان دیگر "کردی" در منطقه را باز گذاشته اند، همه این موارد همکاریهای جاری و یا محتمل، فصول باز در رهبری دفتر هواداران جلال طالباني است. اینجا هدف این است که گفته شود، به ویژه رو به جریان راست طرفدار غرب و بویژه آمریکا، که نیروئی و سازمانی اعلام موجودیت کرده است که هویت خود را منزوي" كردن كمونيستها قرار داده است و یا اگر چنین نیستند، داوطلب ثبت نام در کمپین حاشیه

### صدایی دیگر!

(ادامه از صفحه ۱)

بود. ممنوعیت حجاب از فرانسه شروع شد و در آلمان "شرودر" بعد آز مدتی اعلام کرد که ورود زنان معلم با روسری در مدارس ممنوع اعلام شود. در آلمان مساله ورود مظاهر مذهبی فراتر از حضور آموزگاران محجبه است و هزاران کودک و نوجوان دختر در اسارت مذهب با حجاب و روسری به مدارس میروند. ممنوعیت روسری در فرانسه به بحث مهمتر ممنوعیت مظاهر مذهبی در مدارس، نه روسری و نه صلیب كشيده شد. قانون اساسى آلمان سكولار نيست. دست مذهب در دخالت در شئون زندگی محدود نیست. حمل صلیب نماد مذهبی ممنوع نیست. و سردمداران مملکتی و دولتی و احزاب سیاسی از حمل این نماد مذهبی دفاع

پیرامون مساله مظاهر مذهبی، موضعگیریهای متفاوت و قطبی مطرح شد. "شتويبر" رئيس ايالات بایرن در جنوب آلمان و از حزب سوسیال مسیحی از احزاب ایوزیسیون دولتی در آلمان، در مقابل ممنوعیت روسری در مدارس اعلام کرد که صلیب بعنوان "نشانه خاک آلمان" باید در مدارس و محیطهای آموزش و پرورش، بِماند. يوهانس راو" رئيس مملكت آلمان

جلال پائین نمی رود، و برخلاف صابونی که به شکم مبارک زده اند، حالا حالاها تبديل به پول و چک و وجبه از طرف سازمان های مزودر شناس و اجیر کن ضدکمونیست، آنهم از کانال سوم، نمیشود.

در هر حال یک باند دست ساز جریان منفوری مانند اتحادیه میهنی جلال طالبانی، همسنگر و دست بوس و كاسه ليس همیشگی دون پایه ترین ماموران اطلاعاتی و امنیتی دول منطقه، و کسی که اساسا با شل کردن سر کیسه بودجه های ادارات مرزی سازمانهاس جاسوسي دول منطقه برای بازی دادن در شکافها، طی سالها وبال گردن مردم كردستان عراق بوده است، کسی که تا آخرین دقایق سقوط صدام، مشی و دیپلوماسی کردی اش را بر مبنای مذاکره و "مفاوضه" با رژیم بعث تنظیم کرده بود، آری این جریان مزدور و چکمه لیس دولتهای سرکوبگر منطقه "واقعی" است، نیرواست و دمکراتیک و اصالت کردی دارد و از آن

بعد از اعلام موضع "شتويبر"

كرد "بايد همه جا صليب حمل

شُود". دستگاه مذهب و ارتجاع و

استبداد مذهبی در یک کر

هماهنگ علیه ممنوعیت مظاهر

مذهبی بسیج میشود. استبداد

اسلامی در چنین موقعیتی با

تحرک بیشتری ظاهر میشود.

افکار عمومی و میدیا، خارج از

مواضع احزاب سیاسی و کلیسا،

در مخّالفت با مظاهر مذهبی و

روسری در مدارس، تحرکات

جریانات اسلامی و تظاهرات آنها

را با عدم خوشنودی از تحرکات

اسلامی ها در کشورهای مختلف

منعکس کردند. و در مواردی

مثل تظاهرات اسلامیها در کلن

آلمان که در ۲۴ ژانویه برگزار

شد، سكوت كردند. و از اين

اروپایی اسلامیستها با بسیج زنان خواستار برابری حقوق همه ادیان محجبه در دفاع از روسری ارگانیزه در جامعه شد، واخيرا مخالفتش کرده بودند، گزارشی منعکس نشد. را با ممنوعیت روسری در مدارس در یک همه پرسی که از طریق اعلام کرده است. دستگاه مذهبی یهودیان در این گیرو دار که در سایت انترنتی "ان. ت. فاو" از موافقان و یا مخالفان سمبولهای آلمان توسط فردی به اسم "شپیگل" مذهبی در مدارس انجام شد، با نمایندگی میشود نیز از ممنوعیت شرکت حدود پنجهزار نفر ۵۷ مظاهر مذهبی انتقاد کرد و از درصد مخالف وجود سمبولهاى مركزيت دستگاه مذهبي كاتوليك مذهبی در مدارس و ۴۳ درصد مخالفت با ممنوعیت تمام نشانه های مذهبی در مدارس، اعلام موافق، بودند. شد. و هراسان اعلام کردند که در بحث ممنوعیت روسری در بحث ممنوعیت روسری در مدارس میتواند تمایلات غیر مذهبی کردن جامعه را بالا ببرد. یکی از کاردینالهای کلیسا از واتیکان در یک موضگیری شدیدالحن اعلام

مدارس و محیطهای آموزش و پرورش تحرک اسلامیستها، از همه بیشتر بود. مسجد و مراکز مذهبی اسلامیها، با نشان دادن عكس العملهاي فوري مساله ممنوعیت روسری را به محور تبلیغات و سازماندهیشان تبدیل کردند. اسلام سیاسی و مذهب اینبار در کشورهای اروپایی به مصاف طلبیده شده اند. رویداد غیر انسانی و تراژیک تروریسم اسلام سیاسی در ۱۱ سپتامبر، به اسلام سیاسی بعنوان منشا ترورسیم در جهان امروز افکار عمومی را عوض کرد. طالبان در افغانستان، پرونده حاکمیت سیاه و ير از جنايت جمهوري اسلامي در ایران، با اعدام و سنگسار و قصاص و شلاق زدن جوانان در ملاعام و خلق آویز کردن زنان و مردان در اذهان عمومی و سر چهار راه ها، افکار عمومی را در برابر اسلام سیاسی و تروریسم

رادیکال و سوسیالیست!! اما، و فقط یک اما، در همه حال 'کردی' روایت کند و بند ناف آنرا به جریان و سکت فئودالی اسلامی 'کومه له ژ. ک''(در دوران طلائی قاضی محمد) وصل کند مطلقا تصادفی نیست. این روایات و تفاسير بخش تاريخ نگارانه ساخت و راه اندازی سازمان کردی ارتش آزاديبخش كوسوو است. دراماتیک تر اینکه یک عده از

قوم و فامیلهای دوست و مشاور

همین جلال طالبانی که به کمک

او سازمان زحمتکشان و دفتر

هواداران "مام جلال" را در سليمانيه

عراق ساختند، دارای ریشه در

میان مردم کردستان ایران معرفی

كنند! فلسفه اين خاستگاه و نقطه

حرکت، ضدیت و نفرت آنان از

كمونيسم و مشخصا كمونيسم

کارگری است. مصادره نام

كومه له توسط اين باند، و ظاهر

شدن به نام كومه له در خدمت

همین هدف است: ثبت و تحمیل

یک سازمان آزادیبخش کوسوو،

اما نوع کردی آن. هدف از بازسازی

و كمپين "بيرون آمدن از حزب

كمونيست ايران" و اعلام موجوديت

سازمان نفرت از کمونیسم کارگری

همين بود. اينكه تاريخ كومه له

را به نام و بعنوان یک سازمان

"کردی" بازنویسی کنند و جناب

صلاح مهتدی در مسند "شخصیت

كرد" و البته رهبر معنوى پشت

پرده سازمانی دیپلوماسی، تاریخ

كومه له را به سير تكامل و

عروج یک سازمان اصیل و حتی

تظاهرات که از بیشتر کشورهای

ما اجازه نميدهيم اين منشا عروج سازمان زحمتکشان از چشم مردم و هر نیروی سیاسی، چپ و یا راست، پنهان بماند. كمونيسم اجتماعی تر و با نفوذتر از آنست که بشود با یک مشت طلبه حوزه قوم پرستان و محل تجمع جانوران قتلهای ناموسی و هواخواهان آنها، حزب نفرت ضدکمونیستی را حتی سرپا نگاه داشت. این میکربهای عفونی بسیار زودتر و سریعتر از سلف خود، مکتب قرآنیهای مفتی زاده، و پسر عموهای سقط شده در یوگوسلاوی سابق، ارتش آزادیبخش كوسوو و مقدونيه، و در اوج

تعجب سازندگان آن، از صحنه

ایلیاتی در همین مرحله بازسازی، منجمد و فریز خواهد کرد. ۲۷ ژانویه ۲۰۰۴

> اسلامی قرار داد. اسلام سیاسی در قطب تروریسم جهانی قرار گرفت. و اینبار با حربه دفاع از حفظ مظاهر مذهبی تلاش برای تبدیل شدن به محور اتخاذ سیاست نسبیت فرهنگی در قطب اسلام سیاسی، تلاش های همه جانبه ای را در اروپا شروع کرده اند. سازماندهی تظاهراتها در دفاع از وجود روسری و رفع ممنوعیت حجاب در مدارس و محیطهای آموزش و پرورش، بخش آگاهانه این تلاشها است. که خوشبختانه تاکنون با عدم خوشنودی و بدگمانی ا ز طرف افکار عمومی و مردم آزادیخواه و میدیا مواجه شده

در این میان احزاب سیاسی و اپوزیسیون طیف ملی مذهبی جمهوری اسلامی در مقابل پدیده بحث ممنوعيت مظاهر مذهبي و حجاب اسلامی در مدارس و محیطهای آموزش و پرورش، موضگیری نکرده و تاکنون سکوت اختیار کرده اند. در سویی دیگر صف بندیهای کنونی در کنار اسلام سیاسی دراروپا روشنفکران یست مدرنیست و "چپ ناسيوناليست ضد امپرياليست صف آرایی کرده اند. "چپ" ضد امپریالیست آلمان در کنار اسلام سیاسی در کلن به خیابان آمد و باردیگر بی کفایتی و بی ربطی اش را به جنبش سوسیالیستی و جنبش رهایی بخش انسان از

اسارت مذهبی به نمایش گذاشت.

جدال کمونیسم کارگری با مذهب و اسلام سیاسی جبهه مهمی از فعالیتهای ما را شکل میدهد. کمونیسم کارگری در ایندوره در افشا مذهب و در دفاع از ممنوعیت حجاب و مظاهر مذهبی به مرکز توجه مردم اروپا از اسکاندیناوی تا اروپای مرکزی تبديل شد. حمايت صميمانه مردم در شهرهای برلین و کلن از شعار و مطالبات و آکسیونهای حزب کمونیست کارگری ایران و سازمان آزادی زن که در دفاع از ممنوعیت حجاب و مظاهر مذهبی انجام گرفته، جبهه مردم آزادیخواه را به کمونیسم کارگری پیوند داده و رهایی از چنگ اختاپوس مذهب و اسلام سیاسی در ایران تقویت کرده است. عرصه جدی مبازره ما علیه جمهوری اسلام به انزوا کشاندن اسلام سیاسی در کل منطقه و اروپا است. مبازره برای ممنوعیت مظاهر مذهبی ضربه سنگینی به اسلام سیاسی در ایران است. حزب کمونیست کارگری ایران مردم آزادیخواه و انساندوست و مدافعان آزادی و برابری را به مقابله قاطع با ارتجاع اسلامي فرا میخواند. به کمیینهای حزب در خارج کشور علیه اسلام سیاسی و در دفاع از ممنوعیت مظاهر مذهبی بپیوندید و صف ما را تقویت کنید.

۲۲ ژانویه ۲۰۰۴

\*\*\*